



متنی که در زیر می خوانید ، شاید مورد توجه شما نیز باشد . بحث خلاصه شده است .

مراجع : خسته ام .

مشاور : خوب متوجه نمی شوم ! خستگی قابل تفسیره .

مراجع : از همه چیز ، از آدم ها ، از محیط ، از جامعه ...

مشاور : این ها که خیلی شد ! کدامیک را بیشتر مایلی درباره اش صحبت کنیم ؟

مراجع : چه می دونم ! مگه فرقی هم می کنه ؟

مشاور : شاید این طور باشه ! بالاخره از یه جایی باید شروع کنیم !

مراجع : نمی دونم ! واقعاً نمی دونم !

مشاور : نا اندازه ای می فهمم ! پس برابیم با مثال از خستگی حرف بزن .

مراجع : خب مثلاً ... مثلاً از تبعیض ها ... از فردا ... از همین یکنواختی ... از دو رویی

آدم ها ...

مشاور : منظورت از تبعیض چیه ؟ گاهی منم توی زندگی وجود تبعیض را دیدم یا احساس کردم . ممکنه

این کلمه معنی متفاوتی برای آدمها داشته باشه ...

مراجع : اینجا ، اونجا ... مثلاً وضعیت جوونا رو نیگا کنین . یکی ۲۰۶ زیر پاشه ، یکی به

نون شب محتاجه ... این تبعیض نیست ؟ این که گفتم یک نمونشه ... نه این که بخیل

باشم اما وقتی به خودم نگاه می کنم ... او ... ه !!

مشاور : می فهمم ، واقعاً می فهمم . توی جامعه ما اکثریت با کدومه ؟ ۲۰۶ یها یا مثل تو ؟

مراجع : خب معلومه ، مثل ماها ... اما یه عده ای از هم سن و سالای من در عوض معتاد

و بدبخت و بیچاره اند ؟

مشاور : باز همون سوال ؟ اکثریت با کدومه ؟ معتادها یا مثل تو ؟

مراجع : معتاد که خیلی زیاده ؟ ...

مشاور : موردایی که می گی توی جامعه ما وجود داره . کسی هم نمی تونه بد بودنش رو رد کنه . چی کار

باید کرد ؟

مراجع : مشکل منم همین جاهاست . دست من که نیست !!؟ که بخوام بگم چی کار باید

کرد ؟

مشاور : منم قبول دارم که خیلی از این موارد دست من و تو نیست ... ۲۰۶ یها که فعلاً مساله ندارند ؟

اگر بخواهیم برای گروه دوم کاری بکنیم ... ؟ بیا یک فهرست با هم تهیه کنیم ...



مراجع: اولش حفظ خودم، بعدشم اگه رفیقم باشه بهش کمک می کنم... البته اگه تازه شروع کرده باشه...

بحث ادامه پیدا کرد. در واقع باید گفت که حداقل برای مشاور یک کلاس بود و نکات مفیدی داشت.

- اول باید سعی کنیم معنا و مفهوم را برای خودمان مشخص کنیم.
- وجود تبعیض، دروغ، دورویی، ربا و امثال آن‌ها را باید به عنوان یک واقعیت نگاه کرد. هر کدام از این موارد به اندازه نوع بشر تاریخچه دارند. راه مقابله با آن‌ها خستگی نیست؟ تمام مکاتب اعم از دینی و غیر دینی آن‌ها را مورد توجه قرار داده اند. هر کس اگر فرصتی داشته باشد، می تواند فهرستی از راه های مقابله بنویسد. اگر دوست داشتید امتحان کنید... و با دوستانتان هم مشورت کنید.
- خیلی وقت ها ما از **تعمیم** استفاده می کنیم. یعنی یک واقعیت موجود را به همه توانایی ها و ارزش های خودمان نسبت می دهیم.
- گاهی نارسایی ها و کاستی هایی را که ناشی از ما نیست برای خودمان مشغله فکری می کنیم. وقتی مساله ای در حد یک جامعه است، فرد به اندازه یک فرد و نقش خودش مسوولیت دارد. معلم به اندازه معلم، کارمند به اندازه کارمند، مدیر به اندازه مدیر و...
- مناسب است که گاهی به توانمندیهای خودمان بیشتر توجه کنیم. هیچکدام از ما نمی توانیم در همه موارد سرآمد باشیم. صوت خوب، پشتکار، صبر، سواد و اطلاعات در یک زمینه، خط خوش، هنر،...، قد بلند، قد کوتاه،... هر کدام را می توان به دیده حسن گرفت و یا به دیده عیب!!؟ به راستی داشتن اندامی سالم یک حسن نیست؟ این که در میان خیل داوطلبان کنکور، به اینجا رسیده اید حسن نیست؟ این که در میان گروهی که دغدغه شغل را دارند، این که شما این دغدغه را کمتر دارید، حسن نیست؟
- از داشته هایتان لذت ببرید. و برای نداشته ها برنامه ریزی کنید.
- چیزهایی را که می توانید برای آنها شاکر خداوند باشید، پیدا کنید.
- صالحان را برای توفیق بیشتر و گمراهان را برای هدایت دعا کنید.
- توکل به منبعی چون خداوند، همواره اثربخش است.